

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشنهاد چین برای صلح در اوکراین

(ترجمه)

پرسش:

به تاریخ 27 فبروری 2023م در سایت خبری العربیه چین گفته شد: «قصر کرملن: از نقشه صلح چین استقبال می‌کنیم؛ اما حل و فصل این قضیه بعید است.» همچنین به تاریخ 27 فبروری 2023م در سایت شبکه الیوم نیز چنین گفته شد: «کرملین گفته که روسیه نقشه صلح چین در اوکراین را با دقت بررسی می‌نماید و اشاره نموده که جزئیات این پیشنهاد نیازمند تحلیل و محاسبه دقیق می‌باشد.» پوتین نیز به تاریخ 21 فبروری 2023م اعلام نموده بود: «روسیه مشارکت‌اش را در معاهده نیوستارت، که در ایالات متحده به امضاء رسیده بود، به حالت تعلیق در آورده.» (منبع: اناضول 21 فبروری 2023م) این اظهارات پس از سفر بایدن به تاریخ 20 فبروری 2023م به کی‌یف، پایتخت اوکراین و دیدارش با زلینسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین منتشر گردید. بایدن در آن دیدار گفت: «اوکراین بسته جدید کمک‌های نظامی به ارزش 500 میلیون دلار را به دست خواهد آورد که روز سه شنبه آینده رسماً اعلان خواهد شد.» (منبع: اسکای نیوز عربی 20 فبروری 2023م) قبل از این اظهارات بایدن، "وانگی" وزیر خارجه چین در جریان کنفرانس امنیت مونیخ گفته بود که چین برای تحقق صلح در اوکراین پیشگام خواهد شد. وی گفت: «ممکن نیست این جنگ همچنان ادامه پیدا کند.» (منبع: CNN عربی 18 فبروری 2023م)

پرسش این است که آیا چین توان متوقف نمودن جنگ در اوکراین را دارد؟ و چرا چین اینک پس از یک سالی که از شروع این جنگ گذشته چنین پیشنهادی را مطرح می‌کند؟ و این‌که چرا روسیه از این پیشنهاد استقبال نموده، سپس می‌گوید که حل و فصل این قضیه بعید است؟ و این‌که تا چه حد ممکن است این پیشنهاد عملی گردد؟

پاسخ:

برای روشن شدن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در فوق، به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

اول: دولت‌هایی که در جنگ روسیه و اوکراین تأثیرگذار می‌باشند:

1. آمریکا: امریکا به رهبری بایدن موفق شد شک و گمان‌های اروپا را در مورد رهبری جهان غرب توسط امریکا برطرف نماید. اداره حکومت بایدن تلاش‌های غرب را برای کمک نظامی و غیرنظامی برای اوکراین توحید نمود تا اوکراین بتواند در برابر تهاجم روسیه تاب آورد. اداره مذکور همچنین توانست غرب را در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه همسو نماید و نیز موفق شد شریان‌های انرژی روسیه را از اروپا قطع کند، بلکه حتی دولت‌های دیگری غیر از دولت‌های اروپایی را نیز در روند تحریم‌های مذکور علیه روسیه با خود همراه نمود، مانند جاپان، کوریای جنوبی و استرالیا. امریکا به این ترتیب توانست به پیمان ناتو جان تازه‌ای ببخشد، پیمانی که در زمان حکومت اداره ترامپ به دیده شک و تردید به آن دیده می‌شد. اداره حکومت بایدن روند مسلح نمودن اوکراین را نیز شدت بخشید و اعلام نمود که هدف‌اش از این کار، شکست دادن روسیه در اوکراین می‌باشد.

2. دولت‌های بزرگ اروپایی: درحالی که تفکیک موقف انگلیس از موقف امریکا علیه روسیه دیگر ممکن نیست، دیده شد که آلمان و فرانسه به موقف مذکور پیوستند، چنان‌چه با قطع شدن هر شریانی از انرژی روسیه به اروپا، آلمان موقف خصمانه‌تری علیه روسیه اتخاذ می‌نمود، در حدی که بیربوک، وزیر خارجه آلمان در جریان تلاش‌هایش برای توحید موقف اروپا در خصوص ارسال تانک برای اوکراین گفت: «ما درجنگی با روسیه هستیم و نه با خود مان.» (منبع: الشروق 24 جنوری 2023م) مدویدوف، رئیس‌جمهور قبلی روسیه وی را "احمق مفید" خواند. (منبع: اناضول 29 جنوری 2023م) این بدان معناست که روسیه پذیرفته که اروپا در بحران اوکراین طرف قرار گرفته.

فرانسه به دلیل تماس‌هایی که رئیس‌جمهور آن با رئیس‌جمهور روسیه داشته، توسط هم‌پیمانانش به باد انتقاد گرفته شد، اما سرانجام سوار همان قطاری گردید که سایر دولت‌های اروپائی قبلاً سوار آن شده بودند و زیر رهبری امریکا علیه روسیه در حرکت بودند. چنان‌چه ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در جریان برگشتن از کنفرانس مونیخ گفت: «می‌خواهم روسیه در اوکراین شکست بخورد و می‌خواهم اوکراین بتواند از موقف خود دفاع نماید.» (منبع: اسکای نیوز عربی 19 فبروری 2023م)

3. روسیه: پس از آن‌که جهان گمان می‌کرد اردوی روسیه از توانایی‌های بالایی برخوردار می‌باشد، جنگ اوکراین نقاط ضعف حساسی را برملا نمود و به این ترتیب جایگاه اردوی روسیه را از آن‌چه که گمان می‌شد پایین آورد؛ اردویی که نخست در اطراف کیف سپس در خارکیف و اخیراً در خیرسون اوکراین شکست خورد. به این ترتیب، اردوی روسیه پس از آن‌که ستون و نماد عظمت روسیه به شمار می‌رفت، اینک چیزی به جز قدرت هسته‌ای روسیه به عنوان یک اصل جهانی، چیز دیگری از آن عظمت باقی نمانده. اقتصاد روسیه که در اصل ضعیف بود و از نظر سیاسی هم امریکا و اروپا موفق شدند تا حد زیادی روسیه را در سطح جهانی به حاشیه برانند، به اضافه این‌که روسیه نتوانست در مورد جنگ اوکراین آرای داخلی را متحد نماید، چنان‌چه زمانی که تصمیم سربازگیری اجباری مطرح گردید، بسیاری از روس‌ها به خارج از روسیه فرار نمودند.

دوم: تأثیرگذاری تمام این تحولات جهانی بالای چین:

1. چین می‌داند که در رأس اولویت‌های امریکا قرار دارد، یعنی قبل از روسیه، چنان‌چه امریکا چین را در خصوص قضیه تایوان به چالش کشیده و به آن مزاحمت می‌کند، با راه‌اندازی مانورهای نظامی بی‌سابقه با کوریای جنوبی آن را به چالش می‌کشد، اگر چین بخواهد خسارت‌های اقتصادی روسیه ناشی از تحریم‌های اعمال شده بالای مسکو را جبران کند، باز امریکا آن را به چالش می‌کشد، اگر بخواهد کمک‌های نظامی مؤثر به روسیه بدهد، باز امریکا آن را به چالش می‌کشد. از جانب دیگر، امریکا اقتصاد چین را به گونه مخفیانه محاصره نموده، مانند جنگ اقتصادی که امریکا علیه شرکت هوای چین و سایر شرکت‌های تکنولوژی آن راه‌اندازی کرده است، در مواردی این جنگ حتی علنی هم صورت می‌گیرد. به طور مثال: صدور تراشه‌های الکترونیکی را به بهانه این‌که چین از آن استفاده نظامی می‌کند و امنیت ملی امریکا را تهدید می‌نماید، به چین قطع نمود. چین مسلح نمودن جاپان را توسط امریکا خاری در حلقوم خود می‌پندارد، البته تا زمانی‌که امریکا روند مسلح نمودن جاپان را گسترش ندهد که در آن صورت خاری در قلب چین خواهد بود. سایر پیمان‌های نظامی را که امریکا در آسیا به راه انداخته، مانند پیمان "اوکوس" و پیمان "کواد" نیز از جمله همین چالش‌هایی است که امریکا در برابر چین قرار می‌دهد و تمام این چالش‌ها موانع بزرگی است که در برابر چین و اردوی آن قرار می‌گیرد.

2. دولت‌های اروپایی، که چین به سان امریکا برای آن‌ها شریک بزرگ اقتصادی می‌باشد، در پی هماهنگی‌های مشترکی که با امریکا داشتند، مجدداً به جانب تمایلات امریکا کشانیده شده اند و هماهنگی‌های مشترک مذکور پس از آغاز جنگ روسیه در اوکراین و برجسته شدن نیاز جدی اروپا به چتر امنیتی امریکا برای حمایت از قاره اروپا در برابر تهدیدهای روسیه، جان تازه‌ای یافته است. چین متوجه شد که رهبری دولت‌های اروپا توسط امریکا، که پس از جنگ روسیه در اوکراین جان تازه‌ای یافته، کمک دولت‌های اروپائی را وادار می‌کند موقف‌گیری‌های امریکا علیه چین را تبنی نمایند و به این ترتیب اصطلاح دولت‌های "دارای تفکر مشابه" ظاهر گردید که هدف از آن؛ دولت‌هایی سرمایه‌داری به علاوه دولت‌های تابع آنان "غرب‌زده‌گان" در شرق آسیا می‌باشد و حتی سخن از نقشی برای پیمان "ناتو" در شرق آسیا بر سر زبان‌هاست که همه و همه تهدید خطرناکی برای چین تلقی می‌گردد، مبنی بر این‌که امریکا توان این را دارد که دولت‌های زیادی را علیه چین بشوراند.

3. ضعف اقتصادی روسیه آن را وادار می‌کند، شریک کوچکی برای چین باشد، به ویژه با توجه به این‌که عرصه جهانی رفته‌رفته در برابر آن تنگتر می‌شود، چنان‌چه اروپا دست از نفت و گاز روسیه برداشته و واردات سوخت‌اش را از آن به شدت کاهش داده، در حالی‌که قبلاً شاه‌رگ انرژی اروپا را روسیه در دست داشت. اروپا و امریکا به بستن دروازه‌های خود در برابر روسیه اکتفاء نکرده، بلکه سایر دولت‌ها را نیز زیر نظر داشته و به آن‌ها توصیه می‌کنند به سقف تحمیل‌شده نفت بالای روسیه پایبند بمانند. این اعمال فشارها باعث شده روسیه، چین را تقریباً یگانه دروازه‌ای ببیند که برای صدور تولیدات

سوخت و نفت خامش باز مانده، واقعیتی که غرب آن را "دست تجاری روسیه به دامن چین" می‌نامد. اوضاع پیش آمده چین را در برابر امریکا و اروپا نگران نموده، زیرا امریکا و اروپا مهم‌ترین جهت‌های تجارتي چین به شمار می‌روند.

4. اما خود چین، هر چند موقفی را که در برابر جنگ اوکراین اعلام نموده همچنان غبار آلود است، اما ناچار می‌داند که نتایج برخاسته از این جنگ عاقبت خرسند کننده‌ای برای آن نخواهد داشت؛ زیرا چین اندکی پیش از شروع جنگ در اوکراین، پیمان‌نامه "همکاری نامحدود" را با روسیه امضاء نموده بود و زمانی که امریکا و دولت‌های اروپایی از چین خواستند در برابر تجاوز روسیه به اوکراین موقف مخالف اتخاذ نماید، چین موقف مجهول و غبار آلودی را اتخاذ نمود؛ طوری که هرگز جنگ روسیه را با صراحت تأیید نکرد و از ارسال کمک به همپیمان روس‌اش چیزی به زبان نیاورد و تنها به انداختن بار مسئولیت شروع جنگ بر دوش امریکا اکتفاء نمود، به این ادعا که امریکا با دادن ضمانت‌های امنیتی برای روسیه موافقت نکرد، انگار چین منتظر بود روسیه اوضاع اوکراین را تغییر داده و واقعیت جدیدی را در آن ایجاد نماید و امنیت خود را در داخل اوکراین تأمین کند و به این ترتیب دولت‌های غربی وادار شوند جایگاه بین‌المللی جدیدی برای روسیه قایل شوند و چینی‌ها احساس می‌کردند در چنین صورتی چین نیز صاحب جایگاه بین‌المللی بهتری خواهد شد، به ویژه در تایوان. اما با روشن شدن ضعف اردوی روسیه و شکست‌هایی که در جبهات جنگ اوکراین متحمل گردید، موقف‌گیری‌های چین در قضیه جنگ اوکراین رفته رفته نوسان پیدا نمود، طوری که انگار می‌خواهد ائتلافی را که با روسیه ساخته بود، برهم زند.

5. تمام این موقف‌گیری‌های غرب در برابر چین، که بوی دشمنی از آن به مشام می‌رسد، باعث نشد چین نیز موقف مشابه خصمانه‌ای علیه امریکا و دولت‌های اروپایی برگزیند و در عین حال، از روسیه نیز صراحتاً حمایت ننمود. دلیل این موقف ناهمگون چین این است که رشد و جایگاه جدید چین متکی به تجارت خارجی آن می‌باشد، چنانچه بازارهای امریکا و دولت‌های اروپایی، شریان اصلی عظمت چین را تمثیل می‌نمایند، برخلاف روسیه که قدرت نظامی آن را میراث به جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی تشکیل می‌دهد و اقتصاد و تجارت جهانی آن، اساس و زیربنای جایگاه بین‌المللی آن به شمار نمی‌رود. اما از یک زاویه دیگر، چین سعی نموده مانورهای نظامی مشترکی را با روسیه بر فراز بحرها در آسیا و بیرون از آسیا به راه اندازد، شاید به این دلیل که می‌خواهد حد وسط میان دو طرف را حفظ نماید و به این ترتیب نه روسیه را از دست دهد که در صورت درگیر شدن با امریکا به آن نیاز خواهد داشت و نه هم دولت‌های غربی را که تجارت با آن‌ها، شریان اقتصاد چین را تشکیل می‌دهد.

سوم: به این ترتیب موقف‌گیری‌های یادشده باعث شد چین به بازی کردن نقش میانجی میان دو طرف فکر نماید و برای حل بحران میان دو طرف، پیشگام شود، هر چند روابط چین با دوطرف متوازن نبوده. این‌ها همه بدان معناست که چین پس از آغاز جنگ روسیه در اوکراین حالا به این باور رسیده که آسمان سیاست‌اش با ابرهای سیاه و تیره‌ای پوشیده شده و این ابرهای تیره یک طرف مسأله را تشکیل می‌دهد که همانا پیشگام شدن چین برای صلح در اوکراین می‌باشد، اما باید دانست که این طرف مسأله هرگز منجر به هیچ‌گونه پیشگامی جدی نمی‌شد، مگر با هماهنگی با طرف دوم، یعنی طرف روسیه. با دقت نمودن به طرف دوم به نتایج زیر می‌رسیم:

1. هر چند روسیه اعلام بسیج عمومی نمود و در حدود نیم ملیون سرباز جدید آماده کرد و هر چند دوباره حمله نمود و در حال حاضر در اطراف شهر باخموت در دونباس درگیر می‌باشد، اما سر انجام پی برده که ممکن نیست در این جنگ برنده شود، زیرا روسیه در این جنگ تنها با اردوی اوکراین طرف نیست، بلکه چنانکه خودش می‌گوید "با توانایی‌های پیمان ناتو" طرف می‌باشد؛ پیمانی که آشکارا با کمک‌های کشنده نظامی از اوکراین حمایت می‌کند و هدف خود را نیز با صراحت کامل اعلام می‌کند که همانا شکست روسیه در اوکراین است. ظاهراً روسیه درک نموده که در این جنگ با اراده آهنین اداره امریکا برای شکست روسیه در اوکراین مواجه می‌باشد، نه تنها اراده امریکا، بلکه اراده جهانی؛ چنانچه فنلند و سویدن نیز قرار است به زودی اعضای جدید پیمان ناتو باشند و این دو کشور از نظر جغرافیایی نزدیک‌ترین دولت‌های هم‌جوار روسیه می‌باشند. آلمان که در طول تاریخ دشمن لوج روسیه بوده، به سرعت در حال نظامی شدن است و در شرق، جاپان احتمالاً به زودی تبدیل به تهدید بزرگی برای روسیه شود؛ به ویژه با توجه به این‌که جاپان از روسیه می‌خواهد جزایر کوریل را که در جریان جنگ

دوم جهانی اشغال نموده بود به جاپان برگرداند. تمام این تحولات در اوکراین و جهان، بار بزرگ و سنگین امنیتی را بر دوش روسیه گذاشته و ضعف آن را برملا تر می‌کند، مخصوصاً که در حال حاضر از تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه‌ای رنج می‌برد.

2. این نشانه‌های ضعف روسیه، که بیان‌گر اعتراف جدید روسیه به فرجام جنگ‌اش در اوکراین می‌باشد و در جستجوی یافتن راهی برای متوقف نمودن روند سرخوردگی اردو و اقتصاد خود و توقف نوسان شرایط بین‌المللی در اطراف روسیه است، همه‌همه ممتل طرف دوم قضیه، یعنی روسیه می‌باشد که اهمیت آن از طرف اول قضیه، یعنی چین و پیشگام شدن آن برای صلح در اوکراین، کمتر نیست. این بدان معناست که روسیه می‌خواهد جنگ اوکراین را متوقف کند، اما به گونه‌ای که آبروی آن نیز محفوظ بماند.

بنابر این، یک‌جا شدن هر دو طرف قضیه "تأثیرات منفی جهانی جنگ اوکراین بالای چین و ناامیدی روسیه از پیروزی در اوکراین" باعث شده چین برای صلح در اوکراین پیشگام شود. یک سال قبل و در زمان شروع جنگ، چین چنین پیشنهادی را مطرح نکرد؛ پس به نظر می‌رسد که چین امیدوار بوده روسیه جنگ اوکراین را به سرعت به نفع خود یک طرفه نماید؛ بناءً در شروع جنگ از مطرح نمودن این پیشنهاد خود داری نمود، اما اینک که روسیه تقریباً از پیروزی در این جنگ ناامید شده و تمایل دارد با حفظ آبروی پای میز مذاکره بنشیند، چین این پیشنهاد برای صلح را مطرح می‌نماید.

این بود واقعیت پیشگام شدن چین برای صلح در اوکراین و آن هم جزئیات مربوط به انتخاب زمان مطرح نمودن این پیشگامی؛ به ویژه که برای فریب غرب و اوکراین در متن این پیشنهاد به احترام گذاشتن به حاکمیت دولت‌ها اشاره شده، چنانچه وزیر خارجه چین در هنگام مطرح نمودن پیشنهاد صلح مذکور اعلام نمود که از حق حاکمیت اوکراین حمایت می‌کند؛ او گفت: «به یک‌پارچگی و حق حاکمیت تمام دولت‌ها در پیشنهاد مطرح شده توسط چین احترام گذاشته شده است.» (منبع: CNN عربی 18 فبروری 2023م) چین به هدف تشویق غرب برای ورود به مذاکرات به این نکته اشاره نموده است.

چهارم: در پاسخ به این پرسش که چقدر ممکن است این پیشگامی چین موفقیت آمیز باشد، یعنی پایان دادن به جنگ اوکراین، باید گفت که بستگی به چند عامل مؤثر دارد:

1. در قدم نخست به موقف امریکا بستگی دارد، موقفی که دولت‌های اروپایی حامی اوکراین نیز از آن پیروی می‌نمایند و موقف امریکا و دولت‌های اروپایی را می‌توان در آئینهٔ موقف سفت و سختی مشاهده نمود که از کی‌یف، پایتخت اوکراین و زلنسکی، رئیس‌جمهور آن انعکاس می‌یابد. خلاصهٔ موقف اوکراین و غرب این است که اردوی روسیه باید از تمام خاک اشغال‌شدهٔ اوکراین، به شمول جزیرهٔ کریمه، بیرون رود و این شرط نشستن پشت میز مذاکره است. این بدان معناست که گفتگو با روسیه بر سر مناطق نخواهد بود، بلکه بر سر جبران خسارت‌ها و پیش‌کردن جنایت‌کاران جنگی به محکمهٔ بین‌المللی خواهد بود. روسیه این شرط‌ها را نمی‌پذیرد و به واقعیت جنگی موجود اشاره دارد، یعنی آتش‌بس در جبهات موجود جنگ و بعداً گفتگو. طبیعی است که روسیه می‌خواهد پس از آتش‌بس، امتیازهایی را به طرف مقابل بدهد تا از یک‌طرف آبروی حفظ شود و از طرف دیگر برخی دستاوردهایی میدانی نیز داشته باشد، حتی اگر این دستاوردها نمادین هم باشد، به علاوه لغو تحریم‌ها و آزاد نمودن دارایی‌های منجمدشده روسیه.

2. به نظر می‌رسد دولت‌های غربی در حال حاضر به پیشنهاد صلح چین اهمیت نمی‌دهند و برنامهٔ شان شکست کامل روسیه در اوکراین است؛ چنانچه دیرلاین، رئیس کمیسیون اروپا در اظهاراتی گفت: «ما به شواهد بیشتری نیاز داریم تا مطمئن شویم که چین با روسیه کار نمی‌کند و ما این شواهد را نمی‌بینیم.» (منبع: CNN عربی 18 فبروری 2023م) وزیر خارجهٔ امریکا نیز چین را متهم نمود که به روسیه کمک می‌کند: «بلینکین در گفتگویی که روز یکشنبه منتشر گردید گفت: در حالی که جنگ روسیه علیه اوکراین یک‌ساله می‌شود، چین "با قوت تمام" به فرستادن ذخایر تسلیحاتی و اسلحه به روسیه فکر می‌کند.» (منبع: القدس عربی 20 فبروری 2023م) این‌ها اشاره‌های کافی است مبنی بر این‌که غرب کمک‌هایش را برای شکست دادن روسیه در اوکراین همچنان ادامه خواهد داد.

3. با توجه به تمام آنچه گفته شد، پیشنهاد چین برای صلح در اوکراین، هرچند در آن به احترام گذاشتن به یک‌پارچگی دولت‌ها اشاره شده و نشان می‌دهد که خروج روسیه از اوکراین ممکن است، باز هم در شرایط موجود برای امریکا و اتباع آن در

اوروپا و نیز در اوکراینی که هیچ اختیاری از خود ندارد، پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا امریکا به گونه ثابت و روز افزون با فرستادن انواع مختلف سلاح‌ها به اوکراین از آن حمایت می‌کند و از زبان بایدن، رئیس‌جمهور امریکا اعلام می‌کند که رئیس‌جمهور روسیه هرگز در اوکراین موفق نخواهد شد. این اراده محکم امریکا با اراده شبیه انگلیس و نیز دولت‌های شرق اروپا مانند پولند و دولت‌های بالتیک که عمیقاً از روسیه متنفر می‌باشند، دنبال می‌شود؛ به این معنا که پیشنهاد صلح چین توسط امریکا پذیرفته نشده و از آن استقبال نخواهد شد. ظاهراً این موقف‌گیری غرب، روسیه را ناآرام نموده و موافقت‌اش با پیشنهاد صلح مذکور را به گونه غیر صریح اظهار نموده است؛ یعنی روسیه یک گام پیش می‌گذارد و گام دیگرش را پس. چنانچه اسکای نیوز عربی به تاریخ 27 فبروری 2023م در سایر خبری خود نوشت: «کرملین در خصوص پیشنهاد صلح چین می‌گوید: "شرایط برای صلح در اوکراین آماده نیست"؛ اما چند بعد گفت: "روسیه نقشه صلح چین را تقدیر می‌کند." در سایت الیوم نیز به تاریخ 27 فبروری 2023م چنین گفته شد: «قصر کرملین گفته که روسیه نقشه صلح چین در اوکراین را با دقت بررسی می‌نماید و اشاره نموده که جزئیات این پیشنهاد باید با محاسبات و دقت بیش‌تری تحلیل شود.» انگار روسیه با این اظهارات می‌خواهد راه برگشتی برای خود بگذارد.

پنجم: خلاصه این که مرحله پیش‌رو شاهد تحولات جدیدی خواهد بود، که عنوان برجسته آن همانا پیشنهاد چین برای پایان دادن به جنگ در اوکراین است. این تلاش‌های چین، که یک سال پس از شروع جنگ در اوکراین صورت می‌گیرد، تبدیل به امیدی برای روسیه جهت بیرون رفتن از مرداب اوکراین شده؛ مردابی که جایگاه بین‌المللی روسیه را به شدت به خطر انداخته، به علاوه این که تلاش‌های مذکور در اساس به نفع خود چین نیز هست. اما امریکا، اروپا و پیمان ناتو و نیز اوکراین این پیشنهاد را نپذیرفته و به دیده شک به آن می‌نگرند و به همین دلیل است که احتمال موفقیت این پیشنهاد در پایین‌ترین حد خود قرار دارد، مگر این که شرایط جهانی تغییر کند و یا روسیه ادعا کند که توان راه‌اندازی تهاجم بزرگ و مؤثر در اوکراین را دارد. باید گفت که احتمال چنین ادعایی از طرف روسیه در آینده نه چندان دور زیاد است، زیرا امریکا و دولت‌های پیمان ناتو در کمین روسیه نشسته و آماده اند برای جلوگیری از پیروزی روسیه، اوکراین را با هر نوع کمک‌های نظامی یاری نمایند.

در پایان باید گفت که این دولت‌های استعمارگر کفری، که در جهان امروز به نام دولت‌های بزرگ نام گرفته اند، هرگز برای تحقق خیری در جهان با یکدیگر نمی‌جنگند، بلکه هدفشان شر و ضرر است و بس؛ چنانچه روسیه به اوکراین تجاوز نموده تا هر فرد اوکراینی را به قتل رساند و امریکا و غرب سعی دارند با استفاده از هر فرد اوکراینی و نه تنها با سربازان آن، به رویارویی با این تجاوز بروند! پس هر دو طرف به قیمت جان فرد فرد اوکراینی به جان یکدیگر افتاده اند. بلی، واقعیت این دولت‌هایی که دنبال فساد در زمین استند، چنین است؛ تا زمانی که منافع شان و حتی بخشی از منافع شان مطرح باشد، هیچ اهمیتی به تعداد کشته‌ها و مقدار خون ریختانده شده نمی‌دهند. انگار تاریخ دارد تکرار می‌شود؛ آنگاه که دولت‌های فارس و روم به جان یکدیگر افتاده بودند، گاهی این پیروز می‌شد و گاهی آن و هر یک از آن دولت‌ها خون مردم را برای برآوردن منافع خود می‌مکیدند. آن واقعیت ادامه یافت تا آنگاه که الله متعال اهل حق و عدالت، یعنی امت اسلامی را با پیروزی و فتح مبین مورد عنایت خویش قرار داد و در نتیجه، اسلام و مسلمانان عزت یافته و سربلند شدند و کفر و کافران خوار و ذلیل گشتند. این واقعیت به خواست الله متعال به زودی یک بار دیگر در حال تکرار شدن است.

(وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (4) بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) [روم: 4-5]

ترجمه: و آن روز مؤمنان شاد می‌شوند؛ به یاری الله، که الله هر که را بخواهد نصرت و پیروزی می‌بخشد و اوست که مقتدر و مهربان است.

9 شعبان 1444 ه.ق.

1 مارچ 2023 م.

مترجم: عبدالله دانشجو